



درس بیست و نهم

آزمون دوم

خلاصه درس شانزدهم تا بیست و هشتم

سوره انعام: (آیات ۳۷ - ۱۱۰)



درس بیست و نهم

آزمون دوم - خلاصه درس شانزدهم تا بیست و هشتم سوره انعام: (آیات ۳۷ - ۱۱۰)

□ آیه ۳۷ انعام: این آیه به «اعجاز خواهی» مشرکان به منظور «تحقیر اعجاز قرآن» اشاره کرده است.

□ آیه ۳۸: این آیه به «حشر موجودات ضعیفتر از انسان، مانند حیوانات» پرداخته است؛ گرچه، شیوه حشر مورد اختلاف مفسران است.

□ آیه ۳۹: مقصود از «گمراه کردن خدا» یا «هدایت کردن خدا»، کیفر یا پاداش دادن از نوع «گمراهی یا هدایت» است.

□ آیه ۴۰: آیه در صدد بیدار کردن فطرت مشرکان است؛ با این بیان که اگر عذاب بیاید، فقط خدا می تواند آن را برگرداند.

□ آیات ۴۱ تا ۴۵: یکی از سنت های الهی، «عذاب کردن تبهکاران» در دنیا می باشد بوسیله «بأساء: سختی های بیرونی» و «ضرأء: عذاب درونی مانند غم و اندوه» تا شاید بیدار شوند؛ ولی این اتفاق نمی افتد؛ زیرا آن ها دچار «قساوت قلب» و «زینت گرایی شیطان» شده اند و در این جاست که به عذاب جدیدی به نام «استدراج» گرفتارشان می کنیم؛ یعنی درهای نعمت دنیوی را به روی شان باز می کنیم تا به دنیا آلوده شوند و آنگاه به طور ناگهانی آن ها را می گیریم تا داغ بزرگی بر دل شان نهاده گردد، و البته در این عذاب، نسل شان را قطع می کنیم تا زمین و موجوداتش از شرّ آن ها خلاص شوند.

□ آیه ۴۶: آیه به چند نعمت ظاهری مانند «گوش، چشم و قلب» اشاره کرده، می فرماید: اگر خدا این نعمت ها را

بگیرد، چه کسی غیر از او توانایی بازگرداندن آنها را دارد؟!

□ آیه ۴۷: این آیه، عذاب الهی را مختص ستمکاران می‌داند و اگر دیگران هم معذب شوند، پاداش‌شان نزد خدا محفوظ است.

□ آیه ۴۸ و ۴۹: این دو آیه شریفه، وظیفه پیامبران را «انذار» و «تبشیر» و وظیفه انسان‌ها را «ایمان» و «عمل صالح» معرفی می‌کند. با این حال اگر مؤمنان، ایمان خود را تا آخر عمر حفظ کنند، نه از آینده خود بیمناک و نه از گذشته خود غمناک می‌گردند؛ اما وای به حال «تکذیب‌کنندگان آیات الهی» که «عذاب مس‌کننده» که دارای شعور است به سراغ‌شان خواهد رفت.

□ آیه ۵۰: در برابر «اعجاز طلبی مشرکان از پیامبر ص»، رسول خدا ص به آنها می‌فرماید: من، نه فرشته هستم، نه خزاین غیب نزد من است و نه دارای علم غیب هستم، من فقط پیامبری هستم که مطیع وحی الهی است.

□ آیه ۵۱: باید دانسته شود که «موعظه» شامل «انذار» و «تبشیر» است که در شأن همه انبیای الهی می‌باشد. با این حال سهم انذار در تربیت انسان‌ها، بیشتر است. این آیه نیز با تکیه بر عنصر «انذار»، به ظالمان هشدار می‌دهد که در قیامت دل‌شان را به بت‌ها و... خوش نکنند؛ چرا که فقط خداست که «ولی» و «شفیع» است.

□ آیات ۵۲ و ۵۳: خداوند به پیامبرش می‌فرماید: مبادا به خاطر دلخوشی اشراف مستکبر، مؤمنان را از خود دور کنی! و باید همه بدانند که ما این فقیران مؤمن را مایه آزمون آن مستکبران قرار دادیم؛ ولی افسوس که با «تکبرشان»، در آزمون مردود شدند.

□ آیه ۵۴: در این آیه، پیامبر ص مأمور است که سلام خود و سلام و رحمت خدا را به مؤمنان معرفت جوی تھی دست برساند و اعلام کند که هر کسی از روی جهالت گناه کرده، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، مشروط به جبران کردن گذشته‌اش.

□ آیه ۵۵: برای آشکار شدن حق، خداوند به افشای مسیر اهل باطل پرداخته است.

□ آیه ۵۶: مشرکان در ادامه درخواست‌های غیرمنطقی خود از پیامبر ص خواسته بودند که به طور متناوب، به آیین یکدیگر درآیند؛ ولی پیامبر ص در این آیه اعلام می‌کند که خدا مرا از پیروی هوای نفس شما نهی کرده است.

□ آیات ۵۷ و ۵۸: درخواست دیگر مشرکان از پیامبر ص، تعجیل در نزول عذاب بود که پاسخ می‌دهد: این کار از آن خداست و دست من نیست، که اگر چنین بود، عذاب می‌آمد و با نابودی ظالمان نزاع ما را بر طرف می‌کرد.

□ آیه ۵۹: خزاین و کلیدهای غیب و شهود دنیوی، دست خداست. اوست که از همه موجودات ریز و درشت، آشکار و پنهان، دور و نزدیک، مادی و غیرمادی و... با خبر است و خداوند همه چیز را در «کتاب مبین» به ثبت رسانده است.

□ آیه ۶۰: انسان وقتی می‌خواهد، خداوند روحش را می‌گیرد و در وقت بیداری آن را به بدنش برمی‌گرداند تا زمانی که

عمرش به پایان برسد، که در این صورت روح را به بدن برنمی گرداند تا نزد خدا باز گردانده شود.

□ آیات ۶۱ و ۶۲: از آنجا که خدا بر بندگانش قهر و غلبه دارد، فرشتگانی را برای محافظت از او بر وی می گمارد و هنگام مرگ هم فرشتگانی را برای گرفتن روحش ارسال می کند تا آن را نزد خدا برند و اعمالش را محاسبه کنند.

□ آیات ۶۳ و ۶۴: این خداوند است که انسان گرفتار آمده در زمین و دریا و هر گرفتاری دیگر را نجات می دهد؛ این در حالی است که انسان به وقت گرفتاری، آشکار و نهان خدا را می خواند و قول می دهد که بنده ای سپاس گزار باشد؛ ولی افسوس که پس از رهایی، بار دیگر به مسیر قبلی خود برمی گردد.

□ آیه ۶۵: این آیه به چهار عذاب الهی اشاره کرده است: ۱. از بالا؛ ۲. از پایین؛ ۳. اختلاف؛ ۴. جنگ و خونریزی. همچنین ذیل آیه «تصریف آیات» را عنوان کرده که عبارت است از: بیان حقایق در سطح گروه های مردمی از سوی خداوند.

□ آیه ۶۶: ای رسول ما! هر چند مشرکان همواره تو را تکذیب می‌کنند؛ ولی تو وکیل و نگهبان آن‌ها نیستی که مجبورشان کنی.

□ آیه ۶۷: خبرهای عذاب، حتماً محقق خواهند شد؛ چه در دنیا و چه در آخرت.

□ آیات ۶۸ و ۶۹: مؤمنان حق ندارند در مجالس دین ستیزانی که آیات را به بازی گرفته‌اند حضور یابند، مگر کسانی که از تقوای بالایی برخوردار بوده و می‌توانند «نهی از منکر» کنند و تحت تأثیر تبلیغات آن‌ها قرار نگیرند.

□ آیه ۷۰: این آیه به پیامبر ص دستور می‌دهد که از کسانی که آیات الهی را به بازی می‌گیرند، کناره‌گیری کند. اینان به دلیل هواپرستی و دنیاطلبی به چنین اعمالی دست می‌زنند. البته عقیده ما براین است که مخاطب اصلی این آیه، مسلمانان هستند نه شخص پیامبر ص.

□ آیات ۷۱ و ۷۲: «معبود واقعی» کسی است که بتواند سود و زیان به خود یا دیگران برساند، در حالی که بت‌ها چنین

نیستند؛ پس تسلیم محض خدا شوید که بهشت و دوزخ را در اختیار دارد، و البته لازمه این تسلیم، پرهیزکاری و اقامه نماز است.

□ آیه ۷۳: آفرینش آسمان‌ها و زمین به معنی «هدفمندی نظام آفرینش» است که لازمه آن هم «وقوع قیامت» برای محاسبه است که با نفخ صور دوم آغاز می‌شود. ضمناً محاسبه گر آن روز دارای «علم مطلق» است، پس به کسی ظلم نمی‌شود.

□ آیات ۷۴ و ۷۵: حضرت ابراهیم ع با قاطعیت، عمویش آزر و سایر بت پرستان را از پرستش بت‌ها نهی می‌کرد و این قاطعیت از آن رو بود که خداوند ملکوت عالم هستی را به او نشان داده بود تا اهل یقین شود.

□ آیات ۷۶ - ۷۸: ابراهیم ع در پی انجام «جدال احسن»، ابتدا با ستاره پرستان هم‌نوا شد؛ ولی صبحگاهان وقتی ستاره مورد نظر ناپدید شد گفت: معبودی که از نظر غایب شود،

محبوب من نیست. همین شیوه را هم در مورد «ماه» و «خورشید» در پیش گرفت.

□ آیه ۷۹: حالا وقت آن بود که ابراهیم ع پس از رد کردن معبودی بودن اصنام و کواکب آسمانی، خدای واقعی خود را اعلان کند، پس فرمود: خدای من کسی است که نظام هستی را آفرید.

□ آیات ۸۰ و ۸۱: پس از آنکه ابراهیم ع، از بت‌ها و کواکب برائت جست و خدای حقیقی‌اش را با قاطعیت اعلان کرد، مشرکان او را تهدید به عذابی کردند که بت‌ها آن را نازل خواهند کرد؛ ولی واکنش حضرت این بود که من از معبودهای خیالی شما نمی‌ترسم و این شما هستید که باید از خدای من بترسید.

□ آیه ۸۲: «ظلم و گناه» که مصداق مهم آن «شرک» است باعث می‌شود که انسان از پشوانه الهی بی بهره شده و امنیت دنیوی و اخروی خود را از دست بدهد.

□ آیه ۸۳: نه تنها حضرت ابراهیم ع بلکه هر انسانی که اطاعت خالصانه از خدا داشته باشد، خداوند او را براساس علم و حکمتش به درجات بالایی خواهد رسانید.

□ آیات ۸۴ - ۸۷: خداوند پیامبرانش را به «هدایت ویژه» و «صراط مستقیم» مفتخر کرد و بر عالمان برتری بخشید؛ چرا که آنها «محسن» و «صالح» بودند. برخی از آنها صاحب حکومت و مقام اجتماعی بودند مانند «داود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی و هارون» و برخی اهل زهد و پارسایی، مانند «زکریا، یحیی، عیسی، الیاس (یا ادريس)» و برخی مورد امتحانات الهی قرار گرفتند، مانند «اسماعیل، الیسع، یونس، لوط».

□ آیه ۸۸: این آیه راه رسیدن به «هدایت الهی ویژه» را بیان داشته و آن «عبودیت خدا» است؛ این همان مسیری است که انبیای الهی پیمودند.

□ آیه ۸۹: پیامبران اولوالعزم در کنار «نبوت» به دریافت «کتاب آسمانی» و «منصب حکومت» مفتخر شدند. ذیل آیه به

پیامبر اسلام ص دلدار می دهد که از کفر کافران نگران نباشد که خداوند دینش را با مؤمنان حفظ خواهد کرد.

□ آیه ۹۰: راه و روش انبیای الهی در هدایتگری یکسان است؛ گرچه شرایع آنها متفاوت است و انبیا در قبال وظیفه هدایتگری، پاداشی از مردم دریافت نمی کنند.

□ آیه ۹۱: این آیه، علمای یهود را سرزنش می کند که به پیامبر اسلام ص گفته بودند: خدا کتابی نازل نکرده است!

□ آیه ۹۲: این آیه شریفه به معرفی «قرآن» به عنوان کتاب نازل شده از سوی خداوند پرداخته و آن را کتابی با برکت و تصدیق گر سایر کتب آسمانی می داند.

□ آیه ۹۳: ظالم ترین انسان کسی است که کتاب خدا را تحریف یا ادعای نبوت می کند یا خود را هم ردیف خدا در ربوبیت می داند.

□ آیه ۹۴: خداوند در قیامت خطاب به مشرکان می فرماید: پس چه شدند شریکان من که شما به شفاعت آنها دل بسته

بودید. اصولاً انسان‌ها، جز اخلاق و اعمال و عقاید چیزی با خود به آخرت نمی‌برند.

□ آیات ۹۵ - ۹۷: خداوند «شکافنده» سه چیز است ۱. دانه یا بذر؛ ۲. هسته میوه‌ها؛ ۳. صبحگاهان. این‌ها آیات «توحید ربوبی» است. به علاوه این که خدا «شب» را برای آرامش و «خورشید و ماه» را برای حسابرسی‌های مردم و «ستارگان» را برای راهیابی و راهنمایی انسان‌ها قرار داد.

□ آیه ۹۸: خدا همه انسان‌ها را با همه گوناگونی‌شان از یک نفر؛ یعنی حضرت آدم ع پدید آورد؛ برخی از آن‌ها وارد دنیا شده‌اند (و مستقر هستند) و بعضی‌ها در صلب‌ها به امانت مانده‌اند و بعدها به دنیا می‌آیند.

□ آیه ۹۹: این آیه شریفه به برخی از جزئیات اعجاز در گیاهان اشاره دارد و چنین می‌فهماند که انواع گیاهان و میوه‌ها را تنها از یک آب و یک خاک رویانده‌ایم و باغ‌های متنوع را به وجود آورده‌ایم. در پایان می‌فرماید که با دقت به اعجاز

گیاهان نگاه کنید تا به خدای عالم و قادر و ربوبیت بی‌مانند او ایمان آورید.

□ آیات ۱۰۰ و ۱۰۱: برخی از مشرکان عقیده داشتند خدا با جنیان ازدواج کرده و فرشتگان از آنها متولد شده‌اند؛ براین اساس جنیان را شریک خدا دانستند. و همچنین معتقد بودند که خدا دارای پسر و دختر است. قرآن پاسخ می‌دهد که تمام این عقاید، خرافات است؛ زیرا خداوند همه این‌ها را آفریده و مخلوق نمی‌تواند شریک خالق شود. وانگهی خدا همسر ندارد، چگونه می‌تواند فرزند داشته باشد؟! بلکه خدا همه چیز را آفریده و بر آنها احاطه علمی دارد.

□ آیه ۱۰۲: با توجه به اوصاف خدا در آیات قبلی می‌فرماید: چنین خدایی، معبود واقعی شماست که بر همه چیز حافظ است.

□ آیه ۱۰۳: خدای واقعی را هیچ چشمی و حسی نمی‌بیند و درک نمی‌کند، در حالی که او همه را درک می‌کند و آگاهی‌اش دقیق است.

□ آیه ۱۰۴: قرآن دلایل روشنی را بر خداشناسی ارائه داده است؛ هر کس بپذیرد، سود برده و هر که کور دل باشد، در زیان می باشد.

□ آیه ۱۰۵: خداوند آیاتش را در سطوح مختلف بیان کرده است. در این میان، برخی، این آیات را آموخته ها و اساطیر می دانند و برخی، که اهل دانش هستند، پند می گیرند.

□ آیه ۱۰۶: خداوند در این آیه به پیامبر ص و مسلمانان دستور می دهد که از «وحی پیروی» و از «مشرکان» دوری کنند.

□ آیه ۱۰۷: برخی مشرکان براساس جبرگرایی، می گفتند: اگر خدا بخواهد که ما مؤمن شویم، همان می کرد؛ ولی نکرد.

□ آیه ۱۰۸: خدا از مؤمنان می خواهد که به خدایان و بت های مشرکان دشنام ندهند؛ زیرا آنان هم جرئت پیدا می کنند که به خدای شما دشنام دهند. همچنین خدا اعمال زشت مشرکان و گناهکاران را زیبا جلوه می دهد تا با رغبت به کار خود ادامه دهند، تا زمانی که نزد پروردگارشان برگردند.

□ آیه ۱۰۹: مشرکان بهانه جو به خدا سوگند می خوردند که اگر پیامبر معجزاتی بیاورد، به خدای یگانه ایمان خواهند آورد. خدا برای این که مؤمنان فریب آنها را نخورند، می-فرماید: این طور نیست، ایمان نخواهند آورد.

□ آیه ۱۱۰: مشرکان لجوج و عنود که اصرار بر کار زشت خود دارند، خداوند دیده و دلشان را واژگون می کند. چه آن که اگر اهل ایمان بودند، روز اول ایمان می آوردند.